

آسب‌شناسی افزایش کمی انتشار کتاب در طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳

● دکتر محمدحسین دیانی

استاد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی

● نسترن تجدد

کارشناس ارشد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی

چکیده

در این مقاله علت‌های افزایش کمی نشر کتاب در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ در قالب دو فرضیه بررسی شده است: ۱. رشد فزاینده انتشار کتاب در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳، بیش از آنکه نمایانگر بی‌ثباتی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و شتابزدگی در حوزه نشر برای پاسخ‌دهی به نیازهای روزمره باشد، بیانگر ثبات نسبی حاکم بر دنیای نشر کتاب است که برنامه‌ریزی دقیق‌تر، اجرا و سوددهی مناسب‌تر را امکان‌پذیر ساخته است.

۲. رشد کمی انتشارات در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳، افزون بر موارد یادشده در فرضیه اول، تحت‌تأثیر یکی یا ترکیبی از عوامل و فواید مادی، افزایش مؤسسه‌های آموزشی، کتاب‌های کودکان و کتاب‌های سازمان‌های دولتی نیز بوده است. تمامی کتاب‌های منتشر شده در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ و نیز تمام ناشرانی که به طور متوسط هر سال ۱۰ عنوان کتاب منتشر کرده‌اند و در هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران (سال ۱۳۸۴) شرکت کرده‌اند، جامعه آماری پژوهش را تشکیل داده‌اند. در نهایت، معلوم شد که بین اعتقاد به ثبات و بی‌ثباتی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در این دوره از دیدگاه ناشران تردید وجود داشته است. همچنین تمامی موارد یاد شده در فرضیه دوم، کم و بیش در افزایش کمی میزان انتشار کتاب در سال‌های ۷۶ تا ۸۳ مؤثر بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: نشر کتاب، ناشران، ثبات سیاسی، ثبات اجتماعی، ثبات اقتصادی

مقدمه

به گواهی آمار و اطلاعات مربوط به نشر کتاب در ایران، در دو برهه زمانی کوتاه، با وجود پایداری در بسیاری از متغیرهای اثرگذار (افزایش مؤسسه‌های آموزشی - پژوهشی، افزایش تعداد دانشجویان و دانش‌آموختگان، افزایش بودجه‌های تحقیقات و افزایش حمایت‌های قانونی و مالی دستگاه‌های دولتی و افزایش باسوادان و تحصیل‌کردگان)، بر تعداد انتشار کتاب‌های فارسی به میزان چشمگیری افزوده شده است. نخستین دوره، سال‌های ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲ و دومین دوره سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۸ است. در این دو دوره، جامعه دستخوش تغییرات سیاسی شدید بوده، آزادی‌های بسیاری برای نشر کتاب‌ها با هر محتوایی وجود داشته و باسوادان و بی‌سوادان جامعه به کسب آگاهی از نظرهای متفاوت برای درک اندیشه‌های گوناگون و تصمیم‌گیری، علاقه‌مند بوده‌اند. در این دوران، توجه عمومی به مطالعه کتاب‌هایی بوده است که در حوزه‌های علوم اجتماعی و انسانی برای پاسخگویی به نیازهای فوری مردم به نگارش درآمده و منتشر می‌شدند و برای نمونه، آن‌گونه که نورالله مرادی نوشته است: «در سال ۱۳۵۷ تعداد عناوین منتشر شده در حوزه علوم انگشت‌شمار بوده است، در حالی که بیش از صد میلیون نسخه کتاب در حوزه‌های علوم اجتماعی و سیاسی منتشر شد...» (مرادی، ۱۳۵۸، ص ۷-۱).

به باور عبدالحسین آذرنگ، در بحران‌های سیاسی، مانند

بحران‌های سال‌های ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲ و ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۸ که از تسلط دولت کاسته می‌شود، به شدت بر حجم انتشار کتاب افزوده می‌شود و با غلبه بر بحران سیاسی، از حجم انتشار کتاب به شدت کاهش می‌یابد.

در دورانی مانند دهه ۱۳۴۰ که دوران نسبی ثبات و آرامش، رشد اقتصادی و فعالیت‌های علمی و فرهنگی بوده نیز انتشار کتاب با رشد کمی روبه‌رو بوده است. گرچه این رشد چندان چشمگیر نبوده، اما در مقایسه با دوران‌های پیش از خود، که گاه بسیار افزایش و گاه بسیار کاهش می‌یافته، همواره سیر فزاینده‌ای داشته است. آذرنگ می‌نویسد: «هنگامی که نوعی ثبات سیاسی (به هر شکل) و نوعی ثبات اقتصادی کم‌تورم حاکم می‌باشد، مانند سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۹، منحنی انتشار کتاب به سیر صعودی خود ادامه می‌دهد» (آذرنگ، ۱۳۷۴، ص ۵۰-۳۷).

بسیاری از مطالعات مربوط به رشد علم نیز بیانگر این مطلب است که علم و دانش در دورانی که ثبات سیاسی حاکم و اوضاع اقتصادی مناسب است، به بالندگی دست می‌یابد که نمودی از آن، رشد انتشارات، بویژه انتشارات در حوزه‌های علمی در قالب کتاب و مجله است.

توجه به تجربه تاریخی (دوران‌های بحران‌های شدید سیاسی و دوران‌های ثبات سیاسی و اقتصادی) از یک‌سو و توجه به رشد

به باور عبدالحسین آذرنگ، در بحران‌های سیاسی، مانند بحران‌های سال‌های ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲ و ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۸ که از تسلط دولت کاسته می‌شود، به شدت بر حجم انتشار کتاب افزوده می‌شود و با غلبه بر بحران سیاسی، از حجم انتشار کتاب به شدت کاهش می‌یابد

عوامل اثرگذار بسیاریند، اما در این تحقیق، دیدگاه ناشران درباره علل اجتماعی (ثبات سیاسی، اقتصادی) که برنامه‌ریزی و اجرای برنامه را برای آنان امکان‌پذیر می‌سازد، بیش از موارد دیگر مورد توجه هستند. در عین حال، همزمان با مورد قبلی، نقش چند عامل تأثیرگذار که بیش از موارد دیگر در ادبیات حرفه‌ای به آنها اشاره می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جامعه آماری این پژوهش، تمامی کتاب‌های منتشرشده در فاصله سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ و نیز تمام ناشرانی که در این سال‌ها به طور متوسط هر سال ۱۰ کتاب منتشر کرده و در هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران (سال ۱۳۸۴) شرکت کرده بودند، ۱۲۷ ناشر است.

اطلاعات مربوط به تعداد کتاب‌ها و ناشران در این سال‌ها از بانک اطلاعاتی خانه کتاب گرفته شد. اطلاعات مربوط به تعداد دانشگاه‌های دولتی و دانشجویان آنها از مجموعه کتاب‌های آمار آموزش عالی برداشته شد و اطلاعات مربوط به دانشگاه آزاد اسلامی با مراجعه حضوری از مراجع مربوطه گردآوری شد.

برای بررسی تأثیر ثبات بی‌ثباتی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بر حوزه نشر از دیدگاه ناشران، از پرسشنامه‌ای با ۱۵ پرسش طیف‌دار (دیبانی و تجدد، ۱۳۸۵، ص ۶۱-۶۲) استفاده شد.

وضعیت نشر کتاب در ایران در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳

در واقع، سال‌های آغازین این دوره، سال‌های تلاش برای آماده‌سازی زیرساخت‌های مورد نیاز توسعه نشر کتاب در کشور بود و امکان دستیابی به استانداردهای مطلوب کمی در حوزه نشر فراهم آمد. از این رو سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های منطقی و دقیقی انجام گرفت که بخشی از تأثیر آن را در افزایش کمی داده‌های آماری نشر در این دوره هشت ساله می‌بینیم. البته نباید از نظر دور داشت که توسعه مراکز آموزش عالی، افزایش مراکز آموزش عمومی، استفاده گسترده از رایانه در حوزه نشر، رشد فرهنگ عمومی، ارج نهادن به خادمان نشر و توسعه تجهیزات کتابخانه‌ها، از جمله عواملی هستند

چشمگیر تعداد عناوینی که در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ منتشر شده است از سوی دیگر، این اندیشه را به ذهن می‌آورد که احتمالاً در سال‌های بعد از ۱۳۷۶، نوعی ثبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با تأثیر مثبت بر دنیای نشر کتاب در ایران حاکم بوده است. در این تحقیق، این نوع برداشت در قالب فرضیه‌های زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. رشد سال‌افزون انتشار کتاب در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳، بیش از آنکه نمایانگر بی‌ثباتی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و در نتیجه شتابزدگی در حوزه نشر برای پاسخدهی به نیازهای روزمره باشد، بیانگر ثبات نسبی حاکم بر دنیای نشر کتاب است که برنامه‌ریزی دقیق‌تر، اجرا و سوددهی مناسب‌تر را امکان‌پذیر ساخته است.

۲. رشد کمی انتشارات در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳، افزون بر موارد یادشده در فرضیه اول، تحت تأثیر یکی یا ترکیبی از عوامل زیر نیز بوده است:

الف) فواید مادی متأثر از یارانه‌های دولتی (کاغذ، زینک، فیلم، مقوا و خریدهای کلی وزارت ارشاد) برای ناشران و سهولت امکانات فنی نشر

ب) افزایش مؤسسه‌های آموزشی و دانشجویان و در نتیجه انتشار زیاد کتاب‌های درسی و کمک‌درسی

ج) آمار بالای نشر کتاب‌های کودکان

د) حضور تأثیرگذار سازمان‌های دولتی یا سازمان‌های حمایت مالی شده از سوی دولت، در عرصه نشر

تحولی که از سال ۱۳۷۶ در نشر کتاب و نیز مطبوعات در ایران روی داده و افزایش همه‌ساله تعداد عناوینی که در این دو حوزه‌ها منتشر می‌شود، نوید دهنده آن است که رفته رفته در حال تبدیل شدن به جامعه‌ای علمی هستیم. افزایش مؤسسه‌های آموزشی و پژوهشی، افزایش بودجه تحقیقات و افزایش تعداد دانشجویان و تحصیل‌کردگان که سه عامل از عوامل چهارگانه رشد علم و فناوری در هر کشور هستند، از سال‌های بسیار دور همواره وجود داشته‌اند، ولی این سه بدون تغییر هماهنگ در رشد تعداد انتشارات و وجود ثبات در این رشد، اطمینان ما را به واقعیت یافتن شرایط رشد علم و فناوری بالا نبرده بود. با پدیده رشد چشمگیر و سال‌افزون انتشار کتاب و نیز رشد پایدار مطبوعات در سال‌های بعد از ۱۳۷۶، کشور به چهار معیار لازم برای رشد علم و فناوری دست یافته است؛ زیرا هرچند آرام آرام، اما پیوسته در حال فقرزدایی از پدیده تعداد عناوین کتاب‌ها و مطبوعاتی هستیم و این آمار، همه ساله در ایران منتشر می‌شوند.

در این شرایط، کتابداران نیز ناگزیرند با مطالعه و پژوهش، با قواعد حاکم بر مواد، ابزارها و فرایندهایی که با آن سر و کار دارند بیش از گذشته آشنا شوند. در حوزه کتابداری، مهم‌ترین ابزار و مواد، منابع مکتوب و غیرمکتوبی است که کتابداران موظف به شناسایی قواعد حاکم بر تولید، توزیع و استفاده از آنها می‌باشند.

هدفی که در این تحقیق دنبال می‌شود، بر مورد اول، یعنی تولید کتاب تأکید دارد و بر آن است تا بیش از گذشته علل و شرایطی را که به رشد تعداد انتشار کتاب در کشور می‌انجامد و زمینه را بیش از پیش برای رشد جایگاه کتابداری فراهم می‌سازد، بازشناسد. دلایل و

دانشجویان آنها در سال‌های ۷۶-۸۳^(۱)

سال تحصیلی	تعداد مراکز آموزش عالی دولتی	تعداد دانشجویان
۷۷-۱۳۷۶	۲۵۶	۶۲۵۳۸۰
۷۸-۱۳۷۷	۲۵۶	۶۳۸۹۱۳
۷۹-۱۳۷۸	۲۵۶	۶۷۸۶۵۲
۸۰-۱۳۷۹	۲۷۵	۷۳۲۵۲۷
۸۱-۱۳۸۰	۲۹۷	۷۵۹۸۷۰
۸۲-۱۳۸۱	۲۹۸	۸۰۹۵۶۷
۸۳-۱۳۸۲	۲۹۲	۹۲۳۹۱۳

جدول ۲- تعداد واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی و تعداد دانشجویان آن در سال‌های ۷۶-۸۳^(۲)

سال تحصیلی	تعداد واحدهای دانشگاهی	تعداد دانشجویان
۷۷-۱۳۷۶	۱۵۲	۶۵۹۲۲۰
۷۸-۱۳۷۷	۱۵۷	۸۶۶۵۲۹
۷۹-۱۳۷۸	۱۷۳	۷۲۶۲۲۸
۸۰-۱۳۷۹	۱۹۰	۸۴۳۴۷۳
۸۱-۱۳۸۰	۲۰۵	۸۰۶۷۳۹
۸۲-۱۳۸۱	۲۲۱	۹۰۴۸۶۹
۸۳-۱۳۸۲	۲۵۳	۹۶۸۲۰۶
۸۴-۱۳۸۳	۲۷۸	۱۰۹۸۲۳۰

جدول ۳- تعداد کتاب‌های درسی و آموزشی در سال‌های ۷۶-۸۳

سال	تعداد کتاب‌های درسی
۱۳۷۶	۲۵۸۳
۱۳۷۷	۲۷۲۳
۱۳۷۸	۳۲۴۶
۱۳۷۹	۳۹۳۳
۱۳۸۰	۴۳۹۷
۱۳۸۱	۵۳۵۱
۱۳۸۲	۵۸۱۱
۱۳۸۳	۵۷۱۸

جدول ۴- تعداد کتاب‌های کمک‌درسی در سال‌های ۷۶-۸۳

سال	تعداد کتاب‌های کمک‌درسی
۱۳۷۶	۲۱۷۶
۱۳۷۷	۱۹۸۶
۱۳۷۸	۲۵۰۷
۱۳۷۹	۳۳۲۸
۱۳۸۰	۳۶۷۴
۱۳۸۱	۵۰۴۹
۱۳۸۲	۵۲۰۷
۱۳۸۳	۵۶۹۱

که به رشد نشر در این دوره کمک کرده‌اند. توسعه نشر در این دوره، نسبت به سال‌های گذشته، شتاب بیشتری یافت و افزون بر نهادها و ارگان‌های دولتی، از مجراهای غیر رسمی نیز عنوان‌های بسیاری در شمارگان قابل توجه منتشر شدند. مقایسه تعداد عناوین منتشر شده در آغاز این دوره با سال‌های پایانی، نشان از تحولی منطقی و سیر صعودی شتابنده و بدون فراز و فرود دارد. ارقام ارائه شده تعداد عناوین منتشر شده در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳، به ترتیب چنین‌اند: ۱۵۴۸۱، ۱۷۴۱۸، ۲۱۳۹۳، ۲۴۷۹۴، ۳۳۳۶۱، ۳۶۱۱۱، ۳۷۲۰۲، ۳۹۱۴۵. این تحول، افقی روشن و شفاف را پیش روی برنامه‌ریزان و صاحب‌نظران امور فرهنگی گذاشته تا با نگاهی علمی و تخصصی به وضعیت نشر، در کشور و یافتن نقاط قوت و ضعف و درک عالمانه واقعیت‌های موجود، آینده فرهنگ مکتوب کشور را رقم بزنند (رنجبری، ۱۳۸۰، ص ۱۱ و ۱۳).

آزمون فرضیه‌ها

پاسخ‌های به دست آمده از پرسشنامه‌ها با روش آماری مناسب بررسی شد (دیانی و تجدد، ۱۳۸۵، ۳۵-۶۲). نتایج به دست آمده، حاکی از آن بود که بین اعتقاد به ثبات و بی‌ثباتی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در دوره مورد مطالعه تردید وجود دارد. از سویی آسان‌تر شدن و در اختیار بودن امکانات فنی نشر، تحت تأثیر ثبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه دانسته شد. ولی هیچ رابطه معناداری بین ثبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با بهره‌مندی از یارانه‌های دولتی در حوزه نشر، افزایش مؤسسه‌های آموزشی و تعداد دانشجویان، خرید کتاب از ناشر توسط وزارت ارشاد و سرانجام افزایش تعداد کتاب‌های کودکان وجود نداشت.

در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ بر خورنداری ناشران از یارانه‌های دولتی، خرید کتاب از ناشران توسط وزارت ارشاد و آسان‌تر شدن امکانات فنی نشر نیز از دلایل رشد تعداد عناوین کتاب‌های منتشر شده در کشور بوده‌اند.

همچنین به منظور بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر افزایش نشر کتاب - که در فرضیه دوم بر شمرده شد - جدول‌های آماری (به شرح جدول‌های ۱ تا ۷) در بردارنده اطلاعات زیر گردآوری شد:

- تعداد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دولتی و دانشجویان این مراکز در سال‌های تحصیلی ۷۷-۱۳۷۶ تا ۸۳-۱۳۸۲
 - تعداد واحدهای دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی و دانشجویان آنها در سال‌های تحصیلی ۷۷-۱۳۷۶ تا ۸۴-۱۳۸۳

- تعداد کتاب‌های درسی در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳

- تعداد کتاب‌های کمک‌درسی در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳

- تعداد کتاب‌های کودکان و نوجوانان در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳

- تعداد کتاب‌های منتشر شده توسط ناشران دولتی در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳

- تعداد کل کتاب‌های منتشر شده در کشور در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳

جدول ۱- تعداد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دولتی و تعداد

چنین به نظر می‌رسد که گران شدن قیمت نفت و افزایش درآمد دولت از این مسیر بر رشد انتشار کتاب در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ بی‌تأثیر نبوده است، یارانه‌های دولتی و خرید کتاب از ناشران برای کتابخانه‌های عمومی و نیز افزایش سرمایه‌گذاری دولت در آموزش و پرورش در تمام سطوح همراه با رشد مؤسسه‌های آموزشی غیردولتی و نیز افزایش درآمد ماهیانه مردم کتابخوان، در بالا بردن رشد انتشار کتاب تأثیرگذار بوده است

درسی و کمک‌درسی، و نیز افزایش چشمگیر تعداد عناوین کتاب‌های کودکان در افزایش آمار کل کتاب‌های منتشر شده در کشور نقش مستقیم داشته‌اند و نقش کتاب‌های منتشر شده توسط ناشران دولتی در این مورد، هرچند مؤثر ولی کم‌رنگ بوده است.

نتیجه‌گیری

همواره این رابطه ساده مطرح بوده است که چون تعداد باسوادان بیشتر می‌شود، پس باید بر تعداد کتابخوان‌ها نیز افزوده شود. به بیانی دیگر، با رشد تعداد مؤسسه‌های آموزشی، افزایش تعداد دانشجویان و دانش‌آموزان و ازدیاد تعداد باسوادان، بر تعداد کتابخوان‌ها افزوده می‌شود و این امر موجب تولید بیشتر کتاب خواهد شد (افشار، ۱۳۳۴، ص ۱۶۴؛ تابنده، ۱۳۵۰، ص ۳۱؛ پورجوادی، ۱۳۶۳، ص ۲-۱). پشته‌های آماری نیز برای این رابطه ارائه شده است. مثلاً، هوشنگ ابرامی با مطالعه موضوع کتاب‌هایی که در سال‌های ۱۳۱۶ تا ۱۳۴۵ منتشر شده بودند، نشان داد که هر چه زمان به جلو آمده بر تعداد کتاب‌هایی که به گونه‌ای با دانش‌اندوزی سر و کار دارند افزوده شده است. چنانچه در سال‌های ۱۳۴۱-۱۳۴۵ نوشته‌هایی که به گونه‌ای با دانش‌آموزی مربوطاند ۶۴/۳ درصد از کل کتاب‌های منتشر شده بوده‌اند (ابرامی، ۱۳۵۰، ص ۳۳-۳۵). اما بررسی‌های قبلی از آمار کتاب‌ها، تعداد جمعیت کشور، جمعیت شهری و جمعیت باسواد نشان می‌داد که این رابطه مستقیم وجود ندارد (دیانی، ۱۳۶۵، ص ۲۶). مقاله بلوغ کتابخوانی در ایران نوشته نصرالله پورجوادی در سال ۱۳۶۳ و مقاله وضع کتاب در ماه‌های اخیر و آینده آن نوشته حسین معصومی همدانی در سال ۱۳۶۴، بر این نکته تأکید دارند که زنگ خطر به صدا در آمده و وضعیت نشر دچار بحران شده و اگر چاره‌ای اندیشیده نشود، پیامدهای ناگوار فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی را انتظار باید کشید. به این ترتیب، تنها به دلیل افزایش باسوادان نمی‌توان شوهدی برای افزایش تعداد کتاب‌ها پیدا کرد. بر رشد آمار انتشار

جدول ۵- تعداد کتاب‌های کودکان در سال‌های ۷۶-۸۳

سال	تعداد کتاب‌های کودکان
۱۳۷۶	۲۸۷۰
۱۳۷۷	۲۶۱۲
۱۳۷۸	۳۱۰۸
۱۳۷۹	۳۵۲۸
۱۳۸۰	۴۹۷۲
۱۳۸۱	۵۴۷۹
۱۳۸۲	۵۵۷۸
۱۳۸۳	۵۱۴۳

جدول ۶- تعداد کتاب‌های منتشر شده توسط ناشران دولتی در سال‌های ۷۶-۸۳

سال	تعداد کتاب‌های ناشران دولتی
۱۳۷۶	۲۹۵
۱۳۷۷	۳۴۵
۱۳۷۸	۴۳۴
۱۳۷۹	۵۶۰
۱۳۸۰	۸۰۵
۱۳۸۱	۶۵۲
۱۳۸۲	۵۲۲
۱۳۸۳	۴۸۶

جدول ۷- تعداد کل کتاب‌های منتشر شده در کشور در سال‌های ۷۶-۸۳^(۳)

سال	تعداد کل کتاب‌ها
۱۳۷۶	۱۵۴۸۱
۱۳۷۷	۱۷۴۱۸
۱۳۷۸	۲۱۳۹۳
۱۳۷۹	۲۴۷۹۴
۱۳۸۰	۳۲۳۶۱
۱۳۸۱	۳۶۱۱۱
۱۳۸۲	۳۷۲۰۲
۱۳۸۳	۳۹۱۴۵

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در تمامی موارد، کم و بیش شاهد رشد سال‌افزون فراوانی‌ها، متناسب با رشد منطقی تعداد کل کتاب‌های منتشر شده در سال‌های مورد مطالعه هستیم. به منظور اثبات این مدعا از آزمون آماری مناسب استفاده شد (دیانی و تجدد، ۱۳۸۵، ۳۵-۶۲). نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که در سال‌های یادشده، افزایش تعداد دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی و نیز افزایش تعداد دانشجویان و به تبع آن نیاز روزافزون به کتاب‌های

پی‌نوشت

۱. مرجع: دانشگاه آزاد اسلامی، اداره کل فناوری اطلاعات و ارتباطات
 ۲. مرجع: آمار آموزش عالی ایران. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۸۲
 ۳. مرجع آمار مربوط به تعداد کتاب‌های درسی، کمک‌درسی، کودکان، ناشران دولتی و تعداد کل کتاب‌های منتشر شده در سال‌های ۷۶ تا ۸۳. بانک اطلاعات خانه کتاب ایران است.
- منابع
۱. آذرنگ، عبدالحسین. «دوره‌های عادی و بحرانی نشر کتاب در ایران (۱۳۲۰-۱۳۷۰)». دانشگاه انقلاب، ویژه کتاب و کتابخوانی. تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۴: ۳۷-۵۰.
 ۲. آذرنگ، عبدالحسین. «نشر کتاب در ایران». نامه انجمن کتابداران ایران. دوره ۸. ۱۳۵۴: ۹-۱۰.
 ۳. آمار آموزش عالی ایران، سال تحصیلی ۷۷-۱۳۷۶. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۷۷.
 ۴. آمار آموزش عالی ایران، سال تحصیل ۷۸-۱۳۷۷. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۷۸.
 ۵. آمار آموزش عالی ایران، سال تحصیلی ۷۹-۱۳۷۸. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۷۹.
 ۶. آمار آموزش عالی ایران، سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۸۰.
 ۷. آمار آموزش عالی ایران، سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۸۱.
 ۸. آمار آموزش عالی ایران، سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۸۲.
 ۹. آمار آموزش عالی ایران، سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۸۳.
 ۱۰. ابرامی، هوشنگ. «تحول محتوای کتاب در ایران». کتاب امروز. شماره ۱. ۱۳۵۰: ۳۳-۳۵.
 ۱۱. افشار، ایرج. «گزارشی درباره کتاب‌های سال ۱۳۳۳». سخن. دوره ۶ شماره ۲. سال ۳۴-۱۳۳۳: ۱۶۴.
 ۱۲. پورجوادی، نصرالله. «بلوغ کتابخوانی در ایران». نشر دانش. سال ۴. شماره ۱. مهر و آبان ۱۳۶۳: ۲-۱۰.
 ۱۳. تابنده، ک. «وضع بازار کتاب و چند رویداد». کتاب امروز. دفتر دوم. اسفند ۱۳۵۰: ۳۱.
 ۱۴. احمدی، عبدالرحیم. «نظری به آمار کتاب‌های چاپی در ایران». سخن. دوره ۹. ۱۳۳۷: ۱۶۸-۱۷۷.
 ۱۵. دبانی، محمدحسین. «کتاب و کتابخوانی در ایران». کیهان فرهنگی. سال ۳. شماره ۱. پیاپی ۲۵. فروردین ۱۳۶۵: ۲۶.
 ۱۶. دبانی، محمدحسین؛ تجدد، نسترن. «دیدگاه ناشران درباره ثبات سیاسی و اقتصادی حاکم بر نشر کتاب طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳». کتابداری و اطلاع‌رسانی. پیاپی ۳۳. بهار ۱۳۸۵: ۳۵-۶۲.
 ۱۷. مرادی، نورالله. «بررسی اجمالی نشر کتاب در سال ۱۳۵۷». نامه انجمن کتابداران ایران. دوره ۱۰. شماره ۱ و ۲. ۱۳۵۸: ۱-۷.

رشد مؤسسه‌های آموزشی و پژوهشی و رشد جمعیت باسواد، همواره با شرایط بهتر اقتصادی، فنی و فضای بازتر سیاسی دست به دست هم می‌دهند تا زمینه را برای انتشار و بهره‌گیری از کتاب‌های بیشتر فراهم آورند. در صورتی که هر یک از این موارد دچار خلل گردد، بر آمار کتاب‌هایی که منتشر می‌شوند تأثیر منفی دارد

کتاب در دهه ۱۳۴۰، دخالت افزایش درآمد دولت به اتکای گران شدن قیمت نفت و وجود نوعی ثبات سیاسی از نوع تسلط کامل دولت مؤثر بود. چنین به نظر می‌رسد که مورد اول یعنی گران شدن قیمت نفت و افزایش درآمد دولت از این مسیر بر رشد انتشار کتاب در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ بی‌تأثیر نبوده است، یارانه‌های دولتی و خرید کتاب از ناشران برای کتابخانه‌های عمومی و نیز افزایش سرمایه‌گذاری دولت در آموزش و پرورش در تمام سطوح همراه با رشد مؤسسه‌های آموزشی غیردولتی و نیز افزایش درآمد ماهیانه مردم کتابخوان، در بالا بردن رشد انتشار کتاب تأثیرگذار بوده است. در عین حال تفاوت فضای سیاسی سال‌های مورد بررسی با سال‌های دهه ۱۳۴۰ آشکارا در رشد کتاب تأثیر داشته است، بویژه که دولت سال‌های بعد از ۱۳۷۶، خود بر باز شدن فضای سیاسی از طریق اطلاع‌رسانی در قالب کتاب و نشریات ادواری تأکید داشته است. جالب است به این نکته توجه شود که ضرورت رشد انتشار کتاب در برنامه‌های پنج‌ساله نیز منعکس شده است. به گونه‌ای که در شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی برنامه چهارم توسعه، پیش‌بینی شده است که وضع موجود (۳۲/۷) عنوان کتاب منتشر شده موجود برای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت در سال ۱۳۸۸ به ۵۴/۹ عنوان به ۱۰۰ هزار نفر جمعیت برسد (لایحه برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۴)، ص ۱۷۱).

رشد مؤسسه‌های آموزشی و پژوهشی و رشد جمعیت باسواد، همواره با شرایط بهتر اقتصادی، فنی و فضای بازتر سیاسی دست به دست هم می‌دهند تا زمینه را برای انتشار و بهره‌گیری از کتاب‌های بیشتر فراهم آورند. در صورتی که هر یک از این موارد دچار خلل گردد، بر آمار کتاب‌هایی که منتشر می‌شوند تأثیر منفی دارد. در پاسخ‌هایی که ناشران به پرسش‌های این تحقیق دادند، خوشبینی وجود دارد، اما هنوز نشانه‌هایی توجه برانگیز از نگرانی‌ها مربوط به اقتصاد و سیاست دیده می‌شود.